

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۴۵ مخاطرات در کمین بازار

۴۶ سیگنال‌های بازدارنده



ریسک‌های بخشی اقتصاد در سال جدید

بیم و امید ۹۰

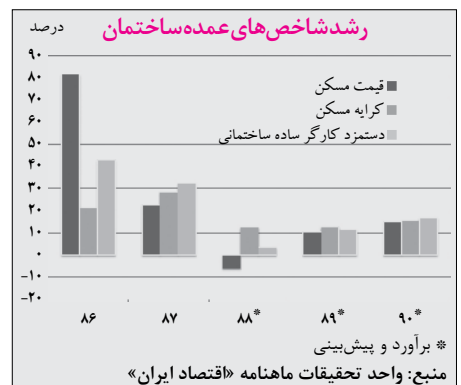
بخش‌های مختلف اقتصاد کشور، تجربه نو اما چالش‌انگیزی را در سال جاری در پیش خواهند داشت.

اقتصاد ایران در سالی که گذشت، نسبت به سال ماقبل آن (۸۸)، تغییرات قابل ملاحظه‌ای را تجربه نکرده است. نرخ رشد اقتصادی در کشور، بنا به ارزیابی‌های جهانی، همچنان روند نزولی را طی می‌کند، اما پیش‌بینی می‌شود این روند در سال ۹۰ معکوس شود. «اقتصاد ایران» پیش‌بینی می‌کند در سال جاری، رشد اقتصادی در حدود ۲/۹ درصد باشد و رقمی که بانک جهانی در این زمینه اعلام کرده است، ۳ درصد می‌باشد.

در این زمینه، کارشناسان واحد تحقیقات «اقتصاد ایران»، با بررسی شرایط اقتصادی موجود جامعه به تحلیل ریسک‌های اقتصاد ایران در سال ۹۰ پرداخته‌اند.

برکت در زمین

خشکسالی‌های اخیر، منابع آبی را در کشورمان با خطرات جدی مواجه کرده‌اند. این امر به زیان‌های قابل



دست کشاورزان مانده از آنها بخرد و در انبارها ذخیره کند که این عمل منطقی نیست. هنوز بخش قابل توجهی از چای خریداری شده از کشاورزان در انبارهای سازمان چای و وزارت بازرگانی موجود است و تلاوم این روند، توجیه حمایتی بخش کشاورزی را از بین می‌برد و باعث می‌شود دولت به زودی تن به افزایش قیمت مواد غذایی داده و بار قیمتی کالاهای کشاورزی را با جلوگیری از واردات به دوش مردم بی‌اندازد. ممکن است سال ۹۰ آغازگر این روند باشد، چرا که تورم ناشی از مباحث مطرح شده، لایبای تورم سایر بخش‌های اقتصادی پنهان می‌شود و با یارانه نقدی توجیه می‌گردد.

رهایی یا اسارت

تحریم‌های اقتصادی و هدفمندی یارانه‌ها دو اهرم فشار بر بخش صنعت کشور هستند. سناریوی اول، تلاوم روند تحریم‌ها است. در صورتی که تحریم‌های جهانی علیه کشورمان ادامه یابند و بخش‌های اقتصادی را دربرگیرند، صنعت دستخوش زیان‌های بیشتری خواهد شد و این امر با توجه به وضعی که از گذشته بر بخش خصوصی مستولی شده است، وضع را بدتر از پیش خواهد کرد. اما از طرفی با توجه به این امر که در سال گذشته، تحریم‌های جدیدی علیه کشورمان اعمال نشدند و بیشتر شاهد مذاکرات و نرمش‌های دولت‌های غربی بودیم - به جز قطعنامه ۱۹۲۴ که چندان صنعت را دربرنمی‌گیرد - می‌توان سناریوی دیگری هم تعریف کرد و امیدوار بود که غرب در این زمینه تا حدودی کوتاه بیاید.

البته تحریم‌های یک جانبه همیشه قابل پیش‌بینی‌اند، اما اجماع جهانی برای تحریم کمی بعید به نظر می‌رسد. با این حال، حتی اگر تحریم جدیدی علیه ما صادر نشود، باز هم نمی‌توان آثار تحریم‌های گذشته را نادیده گرفت. در سال ۹۰ نیز همانند گذشته، بخش‌های تولیدی با مشکل تکنولوژی مواجه‌اند. در تحلیل‌ها و همچنین

توجهی در سال ۹۰ در بخش کشاورزی دامن می‌زند که منجر به افزایش قیمت مواد کشاورزی و غذایی در سال جاری خواهد شد. این موضوع، به ویژه در مناطق گرمسیر کشور و محصولات آبی، بیشتر به چشم می‌خورد. اگر وضع به همین منوال که پیش‌بینی می‌شود باشد، با توجه به کمبودهای ناشی از کاشت و برداشت محصولات غذایی، کشور مجبور به واردات گسترده این محصولات خواهد شد که همین موضوع، حتی شرایط را برای سال ۹۱ پیچیده‌تر می‌کند. البته این تنها عامل نیست و افزایش هزینه‌های تولید در بخش کشاورزی با توجه به هدفمندی یارانه‌ها - به ویژه در بخش آب و برق - در کنار وابستگی شدید این بخش به قیمت بنزین و گازوئیل که حمل و نقل محصولات را نیز با افزایش قیمت مواجه می‌کند، گرانی این محصولات را هشدار می‌دهد. سال ۹۰ را برای کشاورزان کشور باید سال گرانی دانست.

در حال حاضر، تلاوم یا توقف فعالیت‌های کشاورزی در اقتصاد ایران، دغدغه بخش قابل توجهی از کشاورزان است. این موضوع را می‌توان از افزایش مهاجرت روستاییان فهمید. اگر دولت قصد داشته باشد همان طور که در گذشته نشان داده، در آینده هم این موضوع را با خریدهای تضمینی و واردات کنترل کند، به دور تسلسلی فزاینده می‌افتد که خروج از آن سخت‌تر خواهد بود. دولت در راستای هدفمندی یارانه‌ها، ناچار به اصلاح قیمت‌ها است. این کار قیمت نهایی را بالا می‌برد و به تناسب، واردات را تقویت می‌کند. دولت هم مجبور می‌شود محصولاتی را که روی

در حکمت‌های هدفمندی، بیان شده که افزایش قیمت سوخت، بخش تولید را وادار به تجهیز تکنولوژی می‌کند، اما نپرسیدیم چگونه؟ در سال جاری و در بخش تولید با افزایش سرسام آور هزینه‌ها مواجه خواهیم بود. مصرف انرژی در بخش صنعت کم‌اکان زیاد است، چرا که تحریم‌ها جلوی تجهیز تکنولوژی را می‌گیرند و هدفمندی یارانه‌ها، قیمت تمام شده را افزایش می‌دهد.

با نگاهی به شرایط اقتصادی جامعه و افزایش هزینه‌های دستمزد نیروی کار، بعید نیست تعداد قابل توجهی از واحدهای تولیدی تعطیل شوند که اثر این موضوع بر بسیاری از شاخص‌های اقتصادی کشور نگران کننده است. در سال ۹۰، قیمت مواد اولیه، نیروی کار، سوخت و حمل و نقل با جهش قابل توجهی مواجه می‌شود.

در خصوص عملکرد دولت، ۳ اقدام قابل تصور است. اقدام اول آن است که دولت اجازه افزایش قیمت‌ها را به تولید کنندگان ندهد که در این صورت تولید کنندگان از دور خارج می‌شوند؛ مگر آن که ابعاد تولید آنان گسترده باشد و از مزایای صرفه مقیاس بهره ببرند. در حالت دوم، دولت اجازه بدهد تولید کننده بر مبنای بازار و قیمت تمام شده، قیمت فروش را تعیین کند. این موضوع شاید اتفاق بیفتد، اما نگرانی‌هایی را در زمینه شل کردن شیر واردات توسط دولت به وجود می‌آورد که در این صورت، باز هم تولید کننده به بلائی اول که به آن اشاره کردیم مبتلا خواهد شد. سناریوی سوم آن است که دولت به بخش تولید اجازه بدهد به صورت آزاد و رقابتی عمل کند و واردات هم کنترل شده و در راستای حمایت از بخش تولید باشد. اگر این سناریو عملی شود، افزایش شدید تورم، سال ۹۰ را به کام ملت تلخ خواهد کرد.

مشکل دیگر صنعت ما در سال ۹۰ به موضوع کیفیت تولید برمی‌گردد. اگر قرار باشد قیمت تمام شده به صورت فزاینده افزایش یابد، بعید نیست که تولید کننده از مواد اولیه درجه ۲ و ۳ در تولید استفاده کند و همین امر، تولید را در کشور ما بی کیفیت‌تر از قبل می‌کند. این موضوع، به خصوص در بخش مواد غذایی، بیشتر به وقوع خواهد پیوست و اثرات زیان‌بارتری را بر جای خواهد گذاشت.

موهبت و مصیبت طلای سیاه

بخش نفت همچون سال‌های گذشته، نقش عمده‌ای را در اقتصاد سال جاری ما ایفا می‌کند. دولت بودجه سال ۹۰ را بر مبنای نفت ۸۰ دلاری بسته و این بیشترین میزان اتکای دولت به نفت طی سال‌های اخیر است. هدفمندی یارانه‌ها اثرات متفاوت، اما مثبتی را بر بخش نفت بر جای خواهد گذاشت. افزایش صرفه جویی در مصرف سوخت، توان صادراتی کشور را در این زمینه در سال جاری افزایش می‌دهد و باعث افزایش درآمدهای نفتی دولت می‌شود. البته مشکلات تأمین مالی و جذب سرمایه در صنعت نفت همچنان به قوت خود باقی‌اند. اصلاح مصرف بخش

قابل توجهی از مشتقات نفتی کشور که به دلیل اسراف بخش‌های دیگر اقتصادی به هدر می‌رفتند، احتمالاً در سال ۹۰ و قطعاً در بلند مدت، زمینه افزایش توان صادراتی کشور را در خصوص نفت و گاز فراهم می‌آورد.

در سال جاری، دولت اگر دور اندیشی به خرج دهد قادر خواهد بود بخش قابل توجهی از سرمایه مورد نیاز صنعت نفت و گاز کشور را از محل درآمدهای این بخش‌ها و همچنین هدفمندی یارانه‌ها تأمین کند که این مسئله تا حدودی جای خالی خارجی‌ها را در پروژه‌های سرمایه گذاری پُر می‌کند. در سال جاری، با توجه به افزایش قیمت نفت و ریاست ایران بر آپک، می‌توان چشم‌انداز روشنی را به خصوص در بحث پروژه‌های سرمایه گذاری به تصویر کشید.

از طرفی در بحث مشتقات نفتی، هدفمندی یارانه‌ها و کاهش مصرف سوخت و واحدهای تولید - از هر دو بُعد صرفه جویی یا ورشکستگی بنگاه‌ها - میزان واردات برخی از حامل‌های انرژی را مانند بنزین کاهش می‌دهد که این موضوع، باعث صرفه جویی ارزی می‌گردد. به علاوه، با نگاهی به کاهش ۱۵ درصدی مصرف گاز کشور در زمستان ۸۹ می‌توان از افزایش ذخیره سازی‌های سوختی در ۹ ماهه اول سال جاری مطمئن بود.

تنها ریسک موجود در بخش نفت را باید در مسأله هسته‌ای کشور جست‌وجو کرد. اگر جامعه جهانی، صادرات نفتمان را تحریم کند، تراز بودجه کشور با کسری شدیدی مواجه خواهد شد. خوشبختانه وقوع انقلاب در کشورهای عربی، این موضوع را - اگر قرار باشد اتفاق بیفتد - با تأخیر مواجه می‌کند، چرا که همین الان پیش‌بینی می‌شود قیمت نفت به بالای ۱۲۰ دلار برسد و بروز تنش دیگر در خاورمیانه، قیمت نفت را بسیار بیش از تصور غرب افزایش می‌دهد.

یک سقف بالای سر

انتظار نمی‌رود بخش مسکن در سال جاری در مقایسه با سال گذشته تغییر مثبتی داشته باشد. از دو جنبه عرضه و تقاضا که به موضوع نگاه کنیم، افزایش قیمت مصالح ساختمانی و کرایه حمل و نقل، به اضافه افزایش دستمزد کارگران بخش ساختمانی - که تجربه نشان داده به تناسب افزایش قیمت مصالح و مسکن افزایش می‌یابد - تأثیر قابل توجهی را بر قیمت مسکن در سال آینده بر جای می‌گذارند. که این افزایش، می‌تواند با توجه به رکود موجود در این بخش - به خصوص رکود تقاضا - تا حدودی خنثی شود. موضوع اصلی آن است که قیمت مسکن در کشور ما بسیار بالاتر از توان خرید مردم است و کسش افزایش قیمت بیشتر را ندارد. سال ۹۰ را لاقط تا زمانی که قدرت خرید مردم افزایش نیابد، نمی‌توانیم سال رونق مسکن بدانیم. افزایش تورم در سال آینده، یکی از مسایلی است که این موضوع را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرفی اقدامات دولت در زمینه خانه‌دار کردن مردم، نقطه عطفی در این زمینه است

که می‌تواند تقاضای قابل توجهی را از مردم در سال جاری تأمین کند.

از بُعد هزینه‌های اجاره مسکن نیز باید به اقدامات سیستم بانکی در بسته پیشنهادی مراجعه کرد. اگر قرار باشد بانک مرکزی نرخ سود سپرده‌ها را بر مبنای نرخ تورم کشور تنظیم کند و به عبارتی تعیین نرخ سپرده‌ها را به عنوان ابزاری برای رقابتی شدن بانک‌ها به آنان واگذار نماید، این موضوع می‌تواند شرایط رهن کامل مسکن را در سال ۹۰ بهبود بخشد و حتی می‌تواند ارقامی را که مالکان از مستأجران مطالبه می‌کنند، بسیار بیش از حد معمول افزایش دهد که بخشی از این افزایش را باید به ضعف اقتصاد در سال آینده نسبت داد که در آن، ممکن است صاحبان مشاغل و حرف از وضعیت خوبی برخوردار نباشند و محیط کسب و کار کمی آشفته باشد.

در این شرایط، قابل پیش‌بینی خواهد بود هر کس که زیرزمینی در اختیار دارد، به رهن می‌گذارد و این موضوع فشار مضاعفی را بر مستأجران وارد می‌نماید. در صورت عدم اتخاذ چنین تصمیمی، بعید نیست که مبالغ رهن به اجاره تبدیل شوند و به این ترتیب، خانوار مستأجر بخش قابل توجهی از درآمد خود را به مسکن اجاره‌ای اختصاص دهد. جمع بندی از بازار مسکن نشان می‌دهد که این بازار در سال ۹۰ همچون سنوات قبل نظم خاصی را دنبال نمی‌کند و همین امر، مبین تلاطم نابسامانی‌های این بخش در سال جدید است.

سواره - پیاده

قیمت سوخت، بخش حمل و نقل را به شدت شکننده خواهد کرد. البته نباید این موضوع را فراموش کنیم که دولت در زمینه کنترل آثار هدفمندی یارانه‌ها بر بخش حمل و نقل، در سال گذشته اقداماتی را انجام داده است که تا حدودی این بخش را کنترل می‌کنند، اما این نتایج بر نمی‌توانند جلوی بی‌نظمی‌های احتمالی را بگیرند. بخش حمل و نقل را باید یکی از ۲ چشم اسفندیار اقتصاد کشور تلقی کرد که می‌تواند همه بخش‌های اقتصادی را متأثر کند. علاوه بر تأثیراتی که افزایش قیمت‌های بخش حمل و نقل بر سایر بخش‌ها می‌گذارد، کمبود وسایل نقلیه در حمل و نقل شهری و برون شهری، فرسودگی ناوگان حمل و نقل بار و مسافر در همه بخش‌ها اعم از زمینی، هوایی و ریلی، مشکلات راه‌ها و جاده‌ها و سرمایه بالای مورد نیاز برای سیاست گذاری در زمینه این مشکلات، همگی آینده بخش حمل و نقل را نگران کننده کرده‌اند. در سال ۹۰ و به خصوص با آغاز سال، باید منتظر افزایش کرایه‌ها بود و این، مازاد بر آن افزایشی است که در بهمن ماه سال گذشته اعمال شده است. افزایش مضاعف کرایه‌های حمل همان و بروز تهدیدات تورمی در اقتصاد کشور، همان! ■